

An Analysis of Iran-India Trade Relations during the Second Pahlavi Period (1320-1345 SH / 1941-1966 CE)

Mohsen Parvish¹
Samaneh Jabari Parvin²

Despite a shared historical and cultural heritage, Iran-India trade relations underwent significant transformations during the second Pahlavi period, shaped by domestic developments in both countries and the evolving conditions of the international system. Nevertheless, the bulk of existing scholarship has focused on the political dimensions of bilateral relations, while their economic and trade aspects have received comparatively less attention. Adopting a descriptive-analytical approach and drawing on archival documents, government reports, economic periodicals, customs statistics, and library sources, the present study examines the structure, trajectory, and determinants of Iran-India trade relations during the second Pahlavi period. The findings reveal that oil was Iran's principal export commodity and the primary driver of its trade surplus, whereas India's exports to Iran consisted mainly of tea, spices, textiles, and jute products, and, in later years, certain capital and industrial goods. The development of transport routes, the commercial activities of the Parsi community in India, and trade delegations and committees also played a role in expanding economic exchanges. However, India's foreign exchange constraints, the geopolitical repercussions of Pakistan's independence, administrative bureaucracy, smuggling, and the inadequacy of Iran's trade infrastructure hindered the full exploitation of existing potential. Overall, bilateral trade relations were shaped less by historical ties and more by the economic policies and geopolitical developments of the second Pahlavi era.

▪ **Keywords:**

Iran, India, Second Pahlavi, trade relations, 1320-1345 SH.

¹ Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author) Mohsen.parvish@uma.ac.ir

² M.A. in Islamic Iranian History, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran jabarisamal@gmail.com



تحلیل روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۲۰ش.

محسن پرویش^۱

سمانه جباری پروین^۲

چکیده

روابط تجاری ایران و هند با وجود پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک در دوره پهلوی دوم تحت تأثیر تحولات داخلی دو کشور و شرایط نظام بین‌الملل، دستخوش تغییراتی مهم شد. با این حال، بخش عمده پژوهش‌های موجود بر ابعاد سیاسی روابط دو کشور تمرکز داشته و جنبه‌های اقتصادی و تجاری آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی، گزارش‌های دولتی، نشریات اقتصادی، آمارهای گمرکی و منابع کتابخانه‌ای به بررسی ساختار، روند و عوامل مؤثر بر روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نفت مهم‌ترین کالای صادراتی ایران و عامل اصلی برتری تراز تجاری این کشور بود، در حالی که هند عمدتاً چای، ادویه، منسوجات، کالاهای کفنی و در سال‌های بعد برخی کالاهای سرمایه‌ای و صنعتی را به ایران صادر می‌کرد. همچنین توسعه مسیرهای حمل‌ونقل، فعالیت پارسیان هند، نمایندگی‌ها و هیئت‌های بازرگانی در گسترش روابط اقتصادی نقش داشتند. اما محدودیت‌های ارزی هند، پیامدهای ژئوپلیتیک استقلال پاکستان، بوروکراسی اداری، قاچاق کالا و ضعف زیرساخت‌های تجاری ایران مانع بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های موجود شد. در مجموع، روابط تجاری دو کشور بیش از آنکه تابع پیوندهای تاریخی باشد، از سیاست‌های اقتصادی و تحولات ژئوپلیتیک دوره پهلوی دوم تأثیر پذیرفت.

واژگان کلیدی:

ایران، هند، پهلوی دوم، روابط تجاری، سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۲۰ش

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

^۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل- ایران (نویسنده مسئول)

Mohsen.parvish@uma.ac.ir

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل- ایران

jabarisama1@gmail.com



مقدمه

روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم در شرایطی شکل گرفت که تحولات اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای بر مناسبات خارجی دو کشور اثر گذاشته بود. استقلال هند در ۱۳۲۶ ش. / ۱۹۷۴ م. و آغاز برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران و هند، زمینه تغییر در الگوی روابط اقتصادی دو کشور را فراهم کرد. در این دوره، تجارت ایران و هند به تدریج از مبادله کالاهای سنتی و کشاورزی فراتر رفت و کالاهای صنعتی، مواد اولیه، تجهیزات و همکاری‌های اقتصادی و فنی نیز در آن اهمیت یافت. این تغییر در حالی صورت گرفت که سیاست‌های تجاری و ارزی، امکانات حمل‌ونقل، مقررات وارداتی و شرایط سیاسی منطقه، همچنان بر میزان و جهت مبادلات اثرگذار بودند.

از سوی دیگر، گسترش روابط تجاری تنها به افزایش حجم مبادلات وابسته نبود، بلکه نحوه سیاست‌گذاری دولت‌ها و ظرفیت نهادهای اقتصادی نیز در شکل‌گیری آن اهمیت داشت. توسعه مسیرهای ارتباطی و دریایی، فعالیت بازرگانان و نهادهای تجاری، انعقاد توافق‌های اقتصادی و شکل‌گیری همکاری‌های صنعتی، زمینه‌های جدیدی برای توسعه مناسبات دو کشور ایجاد کرد. در مقابل، محدودیت‌های ارزی، مشکلات اجرایی و اداری و برخی موانع موجود در مسیر انتقال و مبادله کالا، امکان استفاده کامل از ظرفیت‌های تجاری را محدود می‌کرد. از این رو، روابط تجاری ایران و هند را باید حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نهادی و سیاسی دانست. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم تحت تأثیر چه عوامل اقتصادی و سیاسی قرار داشت و این عوامل چگونه بر ساختار و روند مبادلات دو کشور اثر گذاشتند؟ هدف پژوهش، تحلیل روند و ساختار تجارت ایران و هند و تبیین عوامل مؤثر بر گسترش یا محدود شدن آن است. در این راستا، صادرات و واردات دو کشور، تغییر ترکیب کالاهای مبادله‌شده، نقش زیرساخت‌های حمل‌ونقل، همکاری‌های صنعتی و همچنین موانع اقتصادی و اجرایی تجارت بررسی می‌شود تا چگونگی تحول روابط تجاری ایران و هند در این دوره روشن شود.

پیشینه پژوهش

روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم، بخشی از مناسبات گسترده سیاسی و اقتصادی دو کشور بود که تحت تأثیر تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دستخوش تغییر شد. پژوهش‌های انجام‌شده در باره این موضوع را می‌توان در دو دسته کلی مطالعات مربوط

به روابط سیاسی و اقتصادی ایران و هند و پژوهش‌های متمرکز بر تجارت و همکاری‌های اقتصادی دو کشور بررسی کرد. در میان پژوهش‌های انجام‌شده مریم شیپری و نوشین برآهویی (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی اسنادی توسعه روابط تجاری ایران و هندوستان در عصر پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰)» با تکیه بر اسناد اقتصادی و بازرگانی، روند توسعه روابط تجاری دو کشور را در دوره پهلوی دوم بررسی کرده‌اند. پژوهش آنان سیر مبادلات کالا، قراردادهای تجاری و گسترش همکاری‌های صنعتی و اقتصادی را در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد. با وجود ارزش این پژوهش در ارائه تصویری اسنادی از روند تجارت ایران و هند، رویکرد آن عمدتاً توصیفی است و پیوند میان تحولات سیاسی و منطقه‌ای و تغییرات روابط تجاری کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر همین پیوند می‌کوشد تا عوامل مؤثر بر تحول روابط تجاری ایران و هند را در بستر تحولات سیاسی و منطقه‌ای دوره پهلوی دوم تحلیل کند. هادی نارویی و علی صناعی (۱۳۹۹) در مقاله «اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی هند و تأثیر آن بر روابط اقتصادی ایران و هند» با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های اسنادی، مهم‌ترین اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی هند را شامل تسهیل جریان کالا و خدمات، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأمین امنیت انرژی و استفاده از ظرفیت نیروی کار هندی خارج از کشور بررسی کرده‌اند. آنان همچنین نقش ایران را در تأمین انرژی و تسهیل ترانزیت کالا برای هند مورد توجه قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحولات اقتصادی هند پس از اصلاحات ۱۹۹۱م. موجب افزایش اهمیت دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی این کشور و گسترش همکاری اقتصادی با ایران شده است. با این حال، پژوهش فوق عمدتاً بر اولویت‌های کلی دیپلماسی اقتصادی هند و جایگاه ایران در تحقق این اولویت‌ها تمرکز دارد و تحولات و روند روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم، ساختار مبادلات و عوامل مؤثر بر تغییرات آن را به صورت مستقل و نظام‌مند بررسی نکرده است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم، این خلأ پژوهشی را دنبال می‌کند. سید امیر نیاکوئی و سجاد بهرامی‌مقدم (۱۳۹۲) نیز در مقاله «روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، روابط دو کشور را از منظر سیاسی تحلیل کرده‌اند، اما بررسی تاریخی روابط اقتصادی و تجاری ایران و هند در دوره پهلوی و تحلیل سیر تحول مبادلات بازرگانی میان دو کشور، در این پژوهش جایگاه مستقلی ندارد. از این رو، با وجود ارزش این مطالعات، همچنان خلأ پژوهشی در زمینه بررسی جامع و تاریخی روابط اقتصادی و تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم احساس می‌شود.

چارچوب نظری

در این پژوهش، روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم با تکیه بر رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل بررسی می‌شود. در این رویکرد، فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی از تحولات سیاسی و مناسبات قدرت جدا نیست و سیاست‌ها و منافع دولت‌ها می‌توانند بر جهت و ساختار روابط اقتصادی و تجاری تأثیر بگذارند. از این منظر، تجارت میان دولت‌ها تنها بر اساس نیازهای اقتصادی و ظرفیت‌های بازار شکل نمی‌گیرد، بلکه سیاست‌های تجاری و اقتصادی دولت‌ها و شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل نیز در شکل‌گیری آن نقش دارند (گیلپین، ۱۴۰۱: ۷۸-۷۷). بر این اساس، در بررسی روابط تجاری ایران و هند، علاوه بر حجم و نوع کالاهای مبادله‌شده، سیاست‌های تجاری و ارزی دو کشور، نیازهای اقتصادی و صنعتی، تحولات سیاسی منطقه و شرایط نظام بین‌الملل نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

زمینه‌های تاریخی روابط تجاری ایران و هند تا آغاز دوره پهلوی دوم

روابط تجاری ایران و هند پیشینه‌ای طولانی داشته و در دوره صفویه به‌ویژه با گسترش مناسبات میان ایران و هند و رونق تجارت در مسیرهای دریایی و زمینی توسعه یافت. حضور بازرگانان هندی در شهرهایی مانند اصفهان و بنادر جنوبی ایران و مبادله کالاهایی همچون منسوجات، ادویه و برخی محصولات کشاورزی از استمرار این ارتباطات حکایت دارد (ریاض‌الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۷۱؛ تاورنیه، [بی‌تا]: ۵۱۳). با این حال، اهمیت این روابط در دوره‌های مختلف تابع شرایط سیاسی و اقتصادی دو کشور و امنیت مسیرهای تجاری بود. در دوره افشاریه و زندیه، اتخاذ سیاست‌هایی در جهت برقراری امنیت راه‌های بازرگانی و حمایت از تجارت، مناسبات اقتصادی ایران و هند بار دیگر احیاء شد و رونق نسبی خود را بازیافت (میرزا صالح، ۱۳۷۹: ۱۹). اما دوره قاجار در پی گسترش مناسبات ایران با قدرت‌های اروپایی و افزایش نقش بنادر جنوبی و خلیج فارس، روابط تجاری ایران و هند نیز در چارچوب گسترده‌تری قرار گرفت. نزدیکی جغرافیایی هند به ایران و حضور تجار و شبکه‌های تجاری مرتبط با هند، زمینه تداوم مبادلات میان دو کشور را فراهم کرد. در این دوره، کالاهای صنعتی و مصرفی وارداتی از هند در کنار محصولات سنتی، بخشی از تجارت خارجی ایران را تشکیل می‌دادند.

هم‌زمان با آغاز دوره پهلوی دوم و شکل‌گیری دولت مستقل هند، شرایط متفاوتی را برای مناسبات اقتصادی دو کشور ایجاد کرد. از این زمان، روابط تجاری دیگر صرفاً بر شبکه‌های

سنتی بازرگانان و مبادله کالاهای مصرفی استوار نبود، بلکه تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت‌های ایران و هند، نیازهای صنعتی، تحولات منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل قرار گرفت. بنا بر این، بررسی روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم مستلزم توجه به این پیشینه تاریخی، بدون ورود تفصیلی به جزئیات دوره‌های پیشین است.

زمینه‌ها و زیرساخت‌های روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم

روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم تنها بر مبادله کالا استوار نبود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، انسانی، نهادی و زیرساختی در شکل‌گیری و تداوم آن نقش داشتند. پیوندهای فرهنگی و تاریخی میان دو کشور، حضور جامعه پارسیان در هند، توسعه مسیرهای زمینی و دریایی و همچنین فعالیت نمایندگی‌ها و هیئت‌های بازرگانی، بسترهای اصلی گسترش مناسبات اقتصادی را فراهم می‌کردند. از این رو، بررسی این زمینه‌ها و زیرساخت‌ها، شناخت دقیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری و تحول روابط تجاری ایران و هند در این دوره به دست می‌دهد.

الف- نقش پارسیان هند در روابط تجاری ایران و هند

یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم روابط اقتصادی ایران و هند، حضور جامعه ایرانی‌تبار به‌ویژه زرتشتیان مهاجر یا پارسیان در شبه‌قاره هند بود. این گروه که پس از فتح ایران به دست اعراب به هند مهاجرت کردند، به تدریج جایگاه برجسته‌ای در ساختار اقتصادی و اجتماعی آن کشور به دست آوردند (Karaka, 1884: 49). از اواخر قرن نوزدهم تا میانه قرن بیستم میلادی، پارسیان در توسعه صنایع هند نیز مشارکت داشتند و خاندان‌هایی همچون تاتا در حوزه‌هایی مانند صنعت، بانکداری، کشت چای و ادویه، حمل‌ونقل دریایی و نساجی فعالیت کردند (یکتایی، ۱۳۵۳: ۱۱۹). پیوندهای فرهنگی پارسیان با ایران در کنار حضور اقتصادی آنان در هند، ظرفیت‌هایی برای گسترش ارتباطات میان دو کشور ایجاد کرد. آشنایی با محیط اقتصادی هند و برخورداری از شبکه‌های تجاری و اجتماعی، امکان برقراری ارتباط میان فعالان اقتصادی دو کشور را افزایش می‌داد. این ظرفیت در دوره پهلوی اول به نمونه‌های مشخصی از همکاری اقتصادی انجامید.

در سال ۱۹۳۲م. گروهی از کارآفرینان پارسی در جریان سفر رابیندرانات تاگور^۱ به ایران با هدف بررسی شرایط اقتصادی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران همراه او شدند. فعالیت این گروه پس از بازگشت به هند به تشکیل شرکت صنعتی و بازرگانی ایران^۲ انجامید انجمن و زمینه بررسی سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی از اقتصاد ایران از جمله صنعت نساجی را فراهم کرد. این روند در نهایت به مشارکت سرمایه‌گذاران پارسی و ایرانی در کارخانه نساجی خسروی مشهد در سال ۱۹۳۸م. منجر شد (Marashi, 2023:68-70,75-78).

با وجود این ظرفیت‌ها، روابط تجاری ایران و هند در نیمه نخست دوره پهلوی متناسب با امکانات موجود گسترش نیافت. ضعف برنامه‌ریزی اقتصادی، فقدان سازوکارهای منسجم برای ارتباط فعالان اقتصادی ایران با ایرانیان مقیم هند، مشکلات کیفیت و بازاریابی کالاهای صادراتی، دشواری‌های انتقال ارز و محدودیت حمایت‌های دولتی از بازرگانان از جمله عوامل محدودکننده در طرف ایرانی بود (حکمت، ۱۳۳۷: ۲۲۳). در هند نیز سیاست‌های اقتصادی پس از استقلال به‌ویژه جایگزینی واردات و حمایت از تولید داخلی، فضای فعالیت صادرکنندگان خارجی را محدود کرد. از سوی دیگر، با وجود تداوم پیوندهای فرهنگی پارسیان با ایران، منافع اقتصادی و جایگاه اجتماعی آنان بیش از پیش با ساختار اقتصادی و سیاسی هند پیوند یافت و ظرفیت آنان برای اثرگذاری مستقیم بر سیاست‌های تجاری دو کشور محدود بود (Marashi, 2023: 1). در نتیجه، حضور پارسیان را می‌توان یکی از ظرفیت‌های تاریخی روابط اقتصادی ایران و هند دانست؛ ظرفیتی که در برخی موارد مانند سرمایه‌گذاری صنعتی در دوره پهلوی اول به همکاری اقتصادی عینی منجر شد. اما بهره‌گیری گسترده از آن در روابط تجاری دو کشور، به سیاست‌گذاری اقتصادی و ایجاد سازوکارهای مؤثرتر برای ارتباط میان فعالان اقتصادی دو طرف وابسته بود.

ب- راه‌های تجاری و زیرساخت‌های حمل‌ونقل ایران و هند

حمل‌ونقل یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و استمرار روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم بود. موقعیت جغرافیایی دو کشور سبب شد که مبادلات تجاری از دو مسیر اصلی دریایی و زمینی انجام گیرد. در این میان، مسیرهای دریایی خلیج فارس و ارتباط بنادر جنوبی ایران با بنادر هند به‌ویژه بمبئی، مهم‌ترین بستر انتقال کالا به‌شمار می‌رفتند. مسیر

^۱. Rabindranath Tagore

^۲. Persia Industrial and Trade Corporation

بمبئی - خرمشهر در انتقال کالاهای هندی به ایران اهمیت ویژه‌ای داشت و در دهه ۱۳۳۰ شمسی با افزایش مبادلات، رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری در این مسیر نیز گسترش یافت. همچنین ارتباط دریایی نامنظم میان کلکته و خرمشهر و بخشی از مبادلات زمینی از طریق خاک پاکستان، شبکه حمل‌ونقل میان دو کشور را تکمیل می‌کرد (هند نوین، ش ۲، ش ۵، ۲۸ شهریور ۱۳۳۵: ۱). در کنار حمل‌ونقل دریایی، مسیر زاهدان - میرجاوه و اتصال آن به شبکه راه‌آهن شبه‌قاره، امکان ارتباط زمینی ایران با بازارهای هند را فراهم می‌نمود. این مسیر در دهه ۱۳۲۰ شمسی دارای ارتباط ریلی و جاده‌ای بود و بر اساس گزارش اداره کل گمرک، رفت‌وآمد منظم قطارهای مسافری و باری در آن صورت می‌گرفت (اداره کل گمرک، ۱۳۲۴: ۴۲۸). اهمیت این مسیر بیش از آنکه در حجم مبادلات آن باشد، در ایجاد یک پیوند زمینی میان ایران و شبکه حمل‌ونقل شبه‌قاره قرار داشت؛ پیوندی که می‌توانست در کنار مسیر دریایی، امکان دسترسی متنوع‌تر به بازارهای هند و جابه‌جایی کالا و مسافر را فراهم کند. با این حال، اتکای عمده تجارت دو کشور به مسیرهای دریایی و محدودیت ظرفیت ارتباطات زمینی نشان می‌داد که زیرساخت حمل‌ونقل یکی از عوامل تعیین‌کننده در دامنه روابط اقتصادی ایران و هند بود. بنا بر این، توسعه مسیرهای ارتباطی میان ایران و هند را می‌توان در چارچوب تلاش دو کشور برای گسترش مناسبات اقتصادی و تقویت ارتباطات منطقه‌ای بررسی کرد، به‌ویژه آنکه در دوره پهلوی دوم، تجارت به‌متدریج از مبادله کالاهای سنتی به سمت همکاری‌های صنعتی و اقتصادی گسترده‌تر حرکت کرد.

نهاده‌ها و بازیگران رسمی روابط تجاری ایران و هند

۱) نمایندگی بازرگانی: ساختار رسمی و اولویت‌های مالی

نمایندگی‌های بازرگانی یکی از ابزارهای رسمی دولت ایران برای مدیریت و تسهیل روابط اقتصادی با هند بودند. بررسی بودجه سال ۱۳۲۵ ش. نمایندگی بازرگانی ایران در هندوستان، اطلاعاتی در باره ساختار اداری و نحوه تخصیص منابع این نهاد ارائه می‌دهد. بر اساس این سند، بودجه نمایندگی شامل فوق‌العاده مقامات، حقوق کارکنان محلی و هزینه‌های اداری بود. فوق‌العاده رئیس هیئت با احتساب هزینه پذیرایی، سالانه نزدیک به ۳۲ هزار روپیه تعیین شده بود، در حالی که مجموع حقوق شش کارمند محلی شامل مترجم، بایگان، راننده، پیشخدمت، نامه‌رسان و سرایدار حدود ۱۳۵۲۰ روپیه بود. همچنین مبلغ ۱۵۱۸۰ روپیه برای کرایه منزل رئیس نمایندگی، اداره و تکمیل اثاثیه اختصاص یافته بود (ساکما،

سند ش. ۲۴۰/۵۹۷۳۲). این ارقام را می‌توان فراتر از یک صورت‌حساب اداری به‌عنوان نشانه‌ای از نحوه سازماندهی دیپلماسی تجاری ایران در هند بررسی کرد. بخش قابل‌توجهی از منابع نمایندگی صرف تأمین هزینه‌های نیروی اعزامی و اداره تشکیلات می‌شد و کارکنان محلی با وجود نقش آنان در ترجمه، بایگانی، ارتباطات و امور اجرایی، سهم بسیار کمتری از بودجه داشتند. از این منظر، ساختار نمایندگی نشان می‌دهد که دیپلماسی تجاری در این دوره همچنان در چارچوب دستگاه اداری دولت و سلسله‌مراتب آن سازمان یافته بود و نمایندگی بازرگانی تنها یک نهاد اقتصادی مستقل محسوب نمی‌شد.

از دیدگاه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، اهمیت چنین نهادی در آن بود که دولت از طریق آن می‌توانست حضور اقتصادی خود را در کشور طرف مقابل سازماندهی و منافع تجاری خود را پیگیری کند. در این رویکرد، روابط اقتصادی خارجی از سیاست دولت‌ها و ساختارهای قدرت جدا نیست و نهادهای دولتی در تنظیم و هدایت مناسبات اقتصادی بین‌المللی نقش دارند (گیلپین، ۱۴۰۱: ۷۷-۷۸). بنا بر این، نمایندگی بازرگانی ایران در هند را می‌توان بخشی از سازوکار رسمی سیاست خارجی اقتصادی ایران دانست؛ نهادی که در کنار سفارت و سایر دستگاه‌های دولتی، وظیفه ایجاد ارتباط با محیط اقتصادی هند و پیگیری مسائل تجاری را برعهده داشت. با این حال، ساختار بودجه‌ای این نمایندگی به‌تنهایی نمی‌تواند میزان کارآمدی آن در حل مشکلات بازرگانان یا توسعه تجارت را مشخص کند. اهمیت سند بودجه بیشتر در آشکار کردن اولویت‌های سازمانی و نحوه تخصیص منابع است. از این رو، برای ارزیابی عملکرد واقعی نمایندگی باید این اطلاعات را در کنار مکاتبات تجاری، گزارش‌های سفارت و اسناد مربوط به مذاکرات اقتصادی بررسی کرد. این مسئله نشان می‌دهد که گسترش روابط تجاری ایران و هند، علاوه بر توافقات اقتصادی، به ظرفیت و عملکرد نهادهای رسمی مسئول اجرای سیاست تجاری نیز وابسته بود.

۲) هیئت‌های بازرگانی: دیپلماسی تجاری و پیگیری منافع اقتصادی

در اواخر دهه ۱۳۳۰ شمسی، روابط تجاری ایران و هند بیش از گذشته از طریق تماس‌های مستقیم میان نهادهای دولتی، هیئت‌های بازرگانی و فعالان اقتصادی پیگیری شد. اعزام هیئت‌های تجاری به هند را می‌توان بخشی از تلاش دولت ایران برای تبدیل روابط اقتصادی به یکی از ابزارهای فعال سیاست خارجی دانست. حضور هیئت ایرانی در نمایشگاه جهانی کشاورزی هند در سال ۱۳۳۸ ش. صرفاً جنبه تشریفاتی نداشت، بلکه با برگزاری مذاکرات مستقیم با بازرگانان ایرانی و هندی و نهادهای تخصصی، امکان طرح مشکلات

موجود در مسیر تجارت دوجانبه را فراهم کرد. اعضای هیئت پس از بررسی مسائل موجود، مشکلات تجار ایرانی را در قالب نامه‌ای رسمی به مقامات هندی منتقل کردند.

یکی از موضوعات مطرح‌شده در جریان این سفر، مسئله تجارت چای میان دو کشور بود. در نشست هیئت ایرانی با سازمان چای هند و صادرکنندگان این محصول در کلکته، طرف هندی از کاهش خرید چای هند توسط واردکنندگان ایرانی انتقاد کردند و تأکید داشتند که هند هم تأمین‌کننده کالا برای ایران و هم خریدار محصولات صادراتی ایران است و این رابطه باید متقابل باشد. از این رو، آنان خواستار حفظ سهم مناسب کالاهای هندی به‌ویژه چای در بازار ایران بودند (نامه ائتاق بازرگانی، ۱۳۳۸: ۲۳-۱۷). این مسئله نشان می‌دهد که تجارت دوجانبه در این دوره تنها بر اساس قیمت و تقاضای بازار پیش نمی‌رفت، بلکه موضوع توازن تجاری و خرید متقابل نیز در مذاکرات اقتصادی میان دو کشور مطرح بود. در نتیجه، تصمیمات مربوط به واردات و صادرات می‌توانست به ابزاری برای تأمین منافع متقابل و تنظیم روابط اقتصادی تبدیل شود.

این رویکرد در سال ۱۳۴۰ش. شکل رسمی‌تری پیدا کرد. در این سال با اعزام هیئت بازرگانی ایران به هند، مذاکرات مستقیم با مقامات اقتصادی و بازرگانان هندی در باره گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی انجام گرفت. هم‌زمان، تصمیم دولت ایران مبنی بر منع خرید چای از کشورهایی که با ایران قرارداد مبادله کالا نداشتند، واکنش مقامات هندی را به دنبال داشت و زمینه آغاز مذاکرات رسمی میان نمایندگان تجاری دو کشور را فراهم کرد. در ادامه، نخستین هیئت تجاری هند به ایران آمد و مذاکرات رسمی برای تنظیم روابط تجاری میان دو کشور آغاز شد. این روند سرانجام مسیر انعقاد موافقتنامه بازرگانی میان ایران و هند را هموار کرد.

اهمیت این تحولات را می‌توان در چارچوب اقتصاد سیاسی بین‌الملل تبیین کرد. در این رویکرد، تجارت خارجی از سیاست دولت‌ها و منافع اقتصادی آنها جدا نیست و دولت‌ها می‌توانند از ابزارهای تجاری برای پیگیری منافع اقتصادی و تنظیم روابط خارجی استفاده کنند (گیلپین، ۱۴۰۱: ۷۸). از این منظر، اعزام هیئت‌های بازرگانی، مذاکره مستقیم با مقامات و تجار و حتی اعمال محدودیت بر واردات چای، صرفاً اقدامات تجاری منفرد نبودند؛ بلکه بخشی از تلاش دولت ایران برای استفاده از ابزارهای اقتصادی در مدیریت روابط خارجی با هند به‌شمار می‌رفتند. بر این اساس، دیپلماسی تجاری در اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی به یکی از سازوکارهای پیونددهنده سیاست خارجی و منافع اقتصادی ایران تبدیل شد.

ساختار و روند مبادلات تجاری ایران و هند

الف- صادرات ایران به هند

در دوره پهلوی دوم، هند یکی از بازارهای مهم صادراتی ایران به‌ویژه برای محصولات کشاورزی و سنتی، بود. اهمیت این بازار صرفاً به میزان تقاضای هند محدود نمی‌شد؛ برخی کالاهای صادراتی ایران از جمله خرمای خارک و صمغ انقوزه بازارهای جایگزین محدودی داشتند و از این رو، حفظ دسترسی به بازار هند برای تداوم صادرات آنها اهمیت اقتصادی داشت. در نتیجه، گسترش و تثبیت روابط تجاری با هند، افزون بر جنبه اقتصادی، در چارچوب سیاست خارجی اقتصادی ایران نیز اهمیت پیدا می‌کرد و می‌توانست به حفظ بخشی از صادرات غیرنفتی کشور کمک کند.

با وجود اهمیت صادرات غیرنفتی، ساختار صادرات ایران به هند در دهه ۱۳۳۰ شمسی همچنان تا حد زیادی تحت تأثیر نفت قرار داشت. بررسی آمارهای تجاری نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶ ش. نفت مهم‌ترین کالای صادراتی ایران به هند بود و پس از آن، محصولات مانند خشکبار سهم قابل توجهی در مبادلات داشتند. از این منظر، تجارت نفت میان دو کشور صرفاً یک رابطه اقتصادی دوجانبه نبود، بلکه با جایگاه ایران در بازار انرژی و تحولات سیاسی بین‌المللی نیز ارتباط داشت. در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، کاهش صادرات نفت ایران بر حجم مبادلات با هند اثر گذاشت، اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و انعقاد قرارداد کنسرسیوم، صادرات نفت مجدداً افزایش یافت و روابط نفتی ایران و هند در چارچوب جدید مناسبات بین‌المللی ایران استمرار پیدا کرد (هند نوین، ۱۳۳۵: ۱۲).

رشد صادرات نفت پس از سال ۱۳۳۳ ش. از یک سو بیانگر اهمیت هند به عنوان یکی از بازارهای مصرف نفت ایران و از سوی دیگر، بیانگر نقش تجارت انرژی در بازسازی جایگاه اقتصادی ایران در روابط خارجی پس از بحران نفت بود. در این دوره، نیاز فزاینده هند به انرژی و تلاش ایران برای حفظ بازارهای صادراتی، منافع مشترکی ایجاد کرد که استمرار روابط اقتصادی دو کشور را تقویت می‌کرد. بنا بر این، مناسبات تجاری ایران و هند را نمی‌توان صرفاً بر پایه پیوندهای تاریخی و فرهنگی دو کشور توضیح داد؛ نیازهای اقتصادی، سیاست‌های تجاری و انرژی و همچنین شرایط سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه در شکل‌گیری این مناسبات نقش داشتند.

در دهه ۱۳۳۰ شمسی، ایران از تأمین‌کنندگان اصلی نفت مورد نیاز هند محسوب می‌شد. رشد برنامه‌های صنعتی هند و محدودیت منابع نفتی داخلی، این کشور را به واردکننده نفت تبدیل کرده بود و بخشی از نیاز آن از ایران تأمین می‌شد. بر اساس آمارهای موجود، حدود ۷۰٪ نفت مصرفی هند از ایران وارد می‌شد و هند پس از آفریقای جنوبی و انگلستان، سومین خریدار بزرگ نفت ایران به‌شمار می‌رفت. تنها در سال ۱۳۳۶ ش. بیش از ۲/۴ میلیون تن نفت به ارزش بیش از دو میلیارد ریال، معادل حدود ۵۰۰ میلیون روپیه از ایران به هند صادر شد (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۳۸: ۲۸). چنین حجمی از مبادلات نفتی، روابط اقتصادی دو کشور را به یکی از زمینه‌های مهم تعاملات خارجی ایران با هند تبدیل می‌کرد و منافع اقتصادی متقابل، استمرار این ارتباط را در شرایط متغیر سیاسی منطقه امکان‌پذیر می‌ساخت.

در کنار نفت، صادرات غیرنفتی ایران نیز از تنوع قابل‌توجهی برخوردار بود. مهم‌ترین اقلام صادراتی شامل خشکبار به‌ویژه پسته، بادام، گردو، کشمش، خرما، سبزیجات خشک، گیاهان دارویی و صنعتی مانند زیره، انقوزه و زعفران، پوست خام و دباغی‌شده، خاک سرخ، فرش دستباف و مروارید بود (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۳۸: ۲۸). این ترکیب کالایی، دو سطح متفاوت از روابط اقتصادی ایران و هند را در کنار یکدیگر قرار می‌داد: از یک سو، صادرات نفت که تحت تأثیر سیاست انرژی، مناسبات بین‌المللی و نقش دولت و شرکت‌های بزرگ قرار داشت و از سوی دیگر، صادرات محصولات کشاورزی و سنتی که بیشتر به فعالیت بازرگانان خصوصی و شبکه‌های تجاری وابسته بود.

از منظر روابط خارجی، اهمیت این دو بخش در آن بود که هر یک به شیوه‌ای متفاوت در مناسبات ایران و هند عمل می‌کردند. تجارت نفت، زمینه‌ای برای پیوند منافع دولت‌ها و تقویت همکاری‌های اقتصادی در سطح رسمی فراهم می‌کرد، در حالی که صادرات کالاهای سنتی، ارتباط بازرگانان و بازارهای دو کشور را حفظ می‌کرد. با این حال، بخش غیرنفتی در مقایسه با نفت بیشتر در معرض نوسانات قیمت، رقابت منطقه‌ای، محدودیت‌های تجاری و مشکلات اجرایی قرار داشت. بنا بر این، ساختار صادرات ایران به هند در دهه ۱۳۳۰ شمسی بیانگر رابطه‌ای بود که در آن تجارت، هم‌زمان تحت تأثیر منافع اقتصادی دو کشور و شرایط سیاسی و بین‌المللی قرار داشت و به یکی از ابزارهای استمرار و گسترش روابط خارجی ایران با هند تبدیل شد.

ب- واردات ایران از هندوستان

واردات ایران از هندوستان در دوره پهلوی دوم عمدتاً بر کالاهای مصرفی و مواد اولیه مورد نیاز بازار داخلی متمرکز بود. در میان این کالاها، چای و ادویه جایگاه ویژه‌ای داشتند. با توجه به اینکه تولید داخلی چای تنها بخشی از نیاز کشور را تأمین می‌کرد، هند به یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان این محصول تبدیل شده بود. در سال ۱۳۲۵ ش. بیش از ۸ میلیون کیلوگرم چای به ارزش ۶۴۹'۵۶۲'۰۷۸ ریال از هند وارد ایران شد که حدود ۷۰٪ ارزش صادرات هند به ایران را تشکیل می‌داد و تقریباً دو برابر میزان واردات چای از سیلان بود. ادویه نیز از اقلام مهم وارداتی بود و نوسانات واردات این کالاها با سیاست‌های ارزی و تجاری دو کشور ارتباط داشت (هند نوین، ۱۳۳۵: ۱۱). از این رو، تجارت این کالاها علاوه بر تأمین نیاز بازار ایران، در تنظیم روابط اقتصادی دو کشور نیز اهمیت داشت.

ایران در کنار چای و ادویه، طیف متنوعی از کالاهای کشاورزی، صنعتی و مصرفی مانند انواع میوه، برنج، گیاهان دارویی، مواد شیمیایی و دارویی، کائوچو، پارچه‌های پنبه‌ای و کتان، نخ، کنف، کاغذ، آهن، چدن، سرب و روی را از هند وارد می‌کرد (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۳۸: ۲۹). این تنوع نشان می‌دهد که هند به تدریج از یک تأمین‌کننده کالاهای مصرفی به یکی از منابع تأمین مواد اولیه و برخی محصولات صنعتی مورد نیاز ایران تبدیل شده بود. رقابت هند و پاکستان در صادرات کالاهای کنفی به ایران نیز ابعاد منطقه‌ای روابط تجاری دو کشور را آشکار می‌کرد. هر چند هند برای افزایش قدرت رقابت خود برخی تعرفه‌های گمرکی را حذف کرده بود، محصولات پاکستانی به دلیل قیمت مناسب‌تر و سهولت انتقال زمینی از مسیر زاهدان در برخی موارد مزیت بیشتری داشتند. با این حال، بخشی مهم از پارچه‌های کنفی مورد نیاز ایران همچنان از هند تأمین می‌شد. بنا بر این، انتخاب میان هند و پاکستان تنها بر اساس ملاحظات اقتصادی نبود و موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی منطقه نیز بر تصمیمات تجاری ایران اثر می‌گذاشت.

از اواسط دهه ۱۳۴۰ شمسی، ترکیب واردات ایران از هند تغییر کرد و کالاهای سرمایه‌ای و صنعتی اهمیت بیشتری یافتند. خرید ریل راه‌آهن به ارزش یک میلیارد ریال از هند در سال ۱۳۴۵ ش. نمونه‌ای از این تحول بود (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۴۵: ۱۲۷). این تغییر بیانگر آن بود که روابط تجاری دو کشور از مبادله کالاهای مصرفی فراتر رفته و به تأمین نیازهای عمرانی و صنعتی ایران نیز گسترش یافته است. از منظر روابط خارجی، چنین معاملاتی به ایران امکان می‌داد در کنار شرکای غربی، از ظرفیت‌های صنعتی هند نیز برای اجرای

برنامه‌های توسعه‌ای خود استفاده کند. در نتیجه، واردات از هند به تدریج به یکی از زمینه‌های گسترش همکاری اقتصادی و تقویت روابط خارجی دو کشور تبدیل شد.

تحول ساختار تجارت و گسترش همکاری‌های صنعتی ایران و هند

از دهه ۱۳۴۰ شمسی، ساختار روابط تجاری ایران و هند به تدریج از مبادلات سنتی فاصله گرفت و به سوی همکاری‌های صنعتی و مبادله کالاهای سرمایه‌ای حرکت کرد. در گذشته، بخشی مهم از تجارت دو کشور بر کالاهایی مانند چای، کف و ادویه هند و خشکبار، پسته و خرما ایران استوار بود، اما تداوم این الگو با نیازهای جدید دو اقتصاد و روند صنعتی شدن آنها سازگاری نداشت. در ایران، اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه زیرساخت‌های برق، حمل‌ونقل، آبیاری و صنایع پایه، تقاضا برای ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی را افزایش داد. هم‌زمان، توسعه صنایع نفت، پتروشیمی، فلزات و تولید گوگرد، امکان عرضه مواد اولیه مورد نیاز صنایع هند را فراهم کرد. در مقابل، هند با توسعه ظرفیت‌های صنعتی خود در زمینه‌هایی مانند فولاد، ماشین‌آلات، کابل‌های برق و تجهیزات انتقال نیرو، توانایی بیشتری برای تأمین بخشی از نیازهای صنعتی ایران پیدا کرد. بر این اساس، تغییر ترکیب تجارت دو کشور تنها حاصل تغییر در نوع کالاهای مورد مبادله نبود، بلکه با تغییر نیازهای اقتصادی و جهت‌گیری برنامه‌های توسعه‌ای دو کشور ارتباط داشت.

این تغییر ساختاری را آمارهای تجاری تأیید می‌کند. در سال ۱۳۴۲ ش. حدود ۸۰٪ مبادلات تجاری ایران و هند را کالاهای کشاورزی تشکیل می‌داد، در حالی که این سهم در سال ۱۳۴۷ به حدود ۴۰٪ کاهش یافت (بورس، ۱۳۴۷: ۵۴). کاهش سهم کالاهای کشاورزی را می‌توان نتیجه هم‌زمان دو روند دانست: از یک سو، سیاست‌های توسعه صنعتی ایران موجب افزایش تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای، تجهیزات و مواد اولیه شد و از سوی دیگر، گسترش ظرفیت صنعتی هند امکان صادرات محصولات کارخانه‌ای و فنی به ایران را افزایش داد. در نتیجه، تجارت دوجانبه از الگوی مبادله محصولات کشاورزی و سنتی به سمت مبادله کالاهای صنعتی و همکاری‌های تولیدی تغییر جهت داد. این تحول همچنین با تلاش دولت‌های دو کشور برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و صنعتی همراه بود. تشکیل شرکت‌های مشترک، مشارکت شرکت ملی نفت ایران در تأسیس پالایشگاه مدرس^۱، همکاری

^۱. Mathura Refinery

با شرکت تاتا^۱ در طرح احداث کارخانه تولید کود شیمیایی در میناپور^۲ و پیشنهاد مشارکت هند در فعالیتهای فلات قاره ایران از نمونه‌های این جهت‌گیری بود. همچنین اعزام کارشناسان فنی هندی به ایران به صورت مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد، دامنه روابط را از تجارت کالا به انتقال خدمات و دانش فنی گسترش داد (بورس، ۱۳۴۷: ۵۴). از این منظر، کاهش سهم کالاهای کشاورزی از ۸۰٪ به ۴۰٪ را نباید صرفاً کاهش اهمیت تجارت سنتی تلقی کرد؛ این تغییر بخشی از دگرگونی ساختاری روابط اقتصادی ایران و هند بود که در پی توسعه صنعتی ایران، گسترش ظرفیت تولیدی هند و افزایش نقش دولت‌ها در هدایت تجارت خارجی شکل گرفت. به همین دلیل، مناسبات اقتصادی دو کشور در دهه ۱۳۴۰ شمسی بیش از گذشته به حوزه‌هایی مانند صنایع، تجهیزات، سرمایه‌گذاری مشترک و خدمات فنی کشیده شد و تجارت دوجانبه بیش از آنکه صرفاً بر مزیت‌های سنتی کالاهای کشاورزی متکی باشد، تحت تأثیر سیاست‌های توسعه‌ای و اقتصادی دولت‌های دو کشور قرار گرفت.

موانع و چالش‌های روابط تجاری ایران و هند

با وجود پیشینه تاریخی روابط اقتصادی، ظرفیت‌های قابل توجه تجاری و تلاش‌های دو دولت برای گسترش همکاری‌های اقتصادی، روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم با موانع متعددی روبرو بود که مانع از بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های موجود شد. این موانع، افزون بر عوامل اقتصادی، ریشه در تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک، سیاست‌های تجاری و ارزی، ناکارآمدی‌های اداری و برخی مشکلات اجرایی داشت و بر روند مبادلات بازرگانی دو کشور تأثیر مستقیم گذاشت. از این رو، بررسی این چالش‌ها در شناخت فراز و فرود روابط تجاری ایران و هند در این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱) پیامدهای استقلال پاکستان و تحولات ژئوپلیتیک

استقلال پاکستان در سال ۱۳۲۶ ش. علاوه بر تغییر ساختار سیاسی شبه‌قاره، مسیرهای ارتباطی و مناسبات اقتصادی ایران و هند را نیز تحت تأثیر قرار داد. ایران در همان سال استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت (میرزا طاهری، ۱۳۷۰: ۴۳۷/۴) و در سال‌های بعد، روابط تهران و اسلام‌آباد با عضویت دو کشور در پیمان بغداد و سپس سنتو بیش از پیش در چارچوب همکاری‌های امنیتی و منطقه‌ای قرار گرفت (نظیف‌کار و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

۱. Tata Group

۲. Minapur

در مقابل، هند که سیاست عدم تعهد را دنبال می‌کرد، نزدیکی ایران و پاکستان و قرار گرفتن دو کشور در ترتیبات امنیتی غرب‌گرا را با حساسیت دنبال می‌کرد (Ashwarya, 2017: 40)؛ این وضعیت در روابط تجاری نیز بی‌تأثیر نبود.

بخش زمینی ارتباط ایران و هند از مسیر پاکستان عبور می‌کرد و در نتیجه، تحولات سیاسی میان هند و پاکستان می‌توانست بر امنیت و سهولت این مسیر اثر بگذارد. به همین دلیل، پس از شکل‌گیری پاکستان، تجارت ایران و هند از نظر جغرافیایی و سیاسی دیگر صرفاً به مناسبات دوجانبه تهران و دهلی وابسته نبود و روابط ایران با پاکستان و مناقشات هند و پاکستان نیز در شرایط تجارت دو کشور مؤثر بود (عزتی، ۱۳۸۷: ۱۸۱). در چنین شرایطی، مسیر دریایی خلیج فارس و بنادر هند اهمیت بیشتری پیدا کرد و بخشی از مبادلات ایران و هند از وابستگی به مسیر زمینی پاکستان فاصله گرفت (هند نوین، ۱۳۳۵: ۱). از سوی دیگر، احتیاط سیاسی در روابط ایران و هند را نمی‌توان به معنای توقف یا کاهش مستمر تجارت دانست. با وجود اختلافات ژئوپلیتیک، دو کشور در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی، همچنان برای حفظ مبادلات اقتصادی و توسعه همکاری‌های تجاری تلاش کردند. تشکیل هیئت‌های بازرگانی، پیگیری توافقات تجاری و استمرار ارتباطات دریایی و تجاری نشان می‌دهد که ملاحظات سیاسی بیشتر موجب محدود شدن ظرفیت همکاری‌ها شد. بنا بر این، استقلال پاکستان را باید عاملی دانست که محیط ژئوپلیتیک تجارت ایران و هند را پیچیده‌تر کرد و ضرورت استفاده از مسیرهای جایگزین و سازوکارهای رسمی‌تر تجاری را افزایش داد. در نتیجه، تأثیر استقلال پاکستان بر روابط ایران و هند بیشتر در تغییر شرایط هزینه‌های مبادله و افزایش حساسیت سیاسی مسیرهای تجاری قابل مشاهده بود. از این منظر، روابط اقتصادی تهران و دهلی در دوره پهلوی دوم در میان دو سطح متفاوت حرکت می‌کرد: از یک سو، نیازهای اقتصادی و منافع تجاری دو کشور زمینه استمرار همکاری را فراهم می‌کرد و از سوی دیگر، صف‌بندی‌های سیاسی و امنیتی جنگ سرد به‌ویژه نزدیکی ایران و پاکستان، حدود این همکاری را تحت تأثیر قرار می‌داد (Ashwarya, 2017: 40).

۲) محدودیت‌های ارزی و سیاست‌های اقتصادی هند

یکی از موانع ساختاری توسعه روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم، بحران تراز پرداخت‌ها و محدودیت منابع ارزی هند بود. کسری تجاری هند از ۷۵ میلیون روپیه در سال ۱۹۵۰م. به ۲۳۵۱ میلیون روپیه در سال ۱۹۵۱م. و ۸۰۱ میلیون روپیه در سال ۱۹۵۲م. رسید (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۳۸: ۳۱). این وضعیت، دولت هند را به سمت محدود کردن

واردات و کنترل شدید منابع ارزی سوق داد تا ارز موجود بیشتر برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و نیازهای برنامه‌های توسعه صنعتی اختصاص یابد. این سیاست مستقیماً بر روابط تجاری هند با ایران اثر گذاشت؛ زیرا کاهش امکان واردات، دسترسی صادرکنندگان ایرانی به بازار هند را محدود می‌کرد و در نتیجه، ظرفیت صادرات غیرنفتی ایران به این کشور تحت تأثیر قرار می‌گرفت.

به این ترتیب، محدودیت ارزی هند صرفاً یک مسئله داخلی نبود، بلکه به یکی از عوامل مؤثر در تنظیم روابط اقتصادی خارجی این کشور تبدیل شد و بر مذاکرات تجاری و میزان مبادلات با ایران اثر گذاشت. از سوی دیگر، وابستگی ایران به بازار هند برای صادرات برخی محصولات کشاورزی و سنتی موجب می‌شد که سیاست‌های ارزی و وارداتی هند به موضوعی مهم در روابط اقتصادی دو کشور تبدیل شود. بنا بر این، آمار کسری تجاری هند را می‌توان نشانه‌ای از شرایطی دانست که سیاست تجاری این کشور را در قبال شرکای خارجی از جمله ایران محدودتر کرد. در این شرایط، توسعه روابط تجاری تنها به ظرفیت تولید و تقاضای دو کشور وابسته نبود، بلکه سیاست‌های ارزی و اولویت‌های اقتصادی دولت هند نیز در تعیین دامنه روابط اقتصادی خارجی دو کشور نقش داشت.

۳) تأخیر در صدور و اعلام سهمیه‌های وارداتی هند

سومین مشکل روابط تجاری ایران و هند، موانع اداری و تأخیر در اجرای مقررات وارداتی بود که به‌ویژه در تجارت خشکبار ایران و چای هند نمود داشت. در اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی، صادرکنندگان ایرانی از تأخیر در صدور یا اعلام سهمیه‌های واردات خشکبار شکایت داشتند؛ مسئله‌ای که موجب می‌شد برخی محموله‌ها برای مدت طولانی در انبار باقی بمانند و در مواردی محصولاتی مانند خرمای خارک میناب و انقوزه که بازار اصلی آنها هند بود، با خطر فساد و زیان مالی مواجه شوند (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۴۳: ۳۴).

اهمیت این مسئله در روابط خارجی دو کشور از آن جهت بود که اجرای مقررات داخلی هند مستقیماً بر امکان صادرات ایران اثر می‌گذاشت. بازرگانان و مقامات ایرانی بر این باور بودند که در مقابل، ایران تسهیلات لازم برای ورود کالاهای هندی را فراهم کرده است و از این رو، تفاوت در نحوه اجرای مقررات می‌توانست به موضوعی در مذاکرات تجاری دو کشور تبدیل شود. بنا بر این، موانع اداری تنها یک مشکل اجرایی برای بازرگانان نبود، بلکه بر توازن منافع تجاری و نحوه پیگیری مطالبات اقتصادی ایران در روابط خارجی با هند نیز اثر می‌گذاشت.

با این حال، بر اساس اسناد موجود نمی‌توان با قطعیت این تأخیرها را اقدامی عمدی یا ابزار فشار سیاسی از سوی دولت هند دانست. آنچه مستند است، وجود مشکلات اجرایی و اعتراض بازرگانان ایرانی به نحوه اجرای مقررات است. از این منظر، این موانع نشان می‌دهد که روابط تجاری ایران و هند علاوه بر سیاست‌های کلان اقتصادی، تحت تأثیر نحوه اجرای تصمیمات اداری و توان دولت‌ها در مدیریت و حل اختلافات تجاری نیز قرار داشت.

۴) قاچاق و چالش‌های انتقال کالا در روابط تجاری ایران و هند

یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف تجارت میان ایران و هند به‌ویژه در زمینه صادرات خرما، گسترش قاچاق این محصول از بنادر جنوبی ایران بود. بخش قابل توجهی از خرما به وسیله لنج‌ها و کشتی‌های بادی، خارج از مسیرهای رسمی گمرکی به بندر بمبئی منتقل می‌شد و در اختیار خریداران غیرمجاز قرار می‌گرفت. این شیوه تجارت غیرقانونی، افزون بر کاهش درآمدهای گمرکی، موجب برهم خوردن نظم بازار رسمی نیز می‌شد. از سوی دیگر، قاچاقچیان به دلیل فقدان نظارت، اصول بهداشتی و استانداردهای لازم در بسته‌بندی را رعایت نمی‌کردند؛ موضوعی که کیفیت خرماهای ایرانی را در بازار هند کاهش داده و اعتبار آن را با آسیب جدی مواجه می‌ساخت. پیامدهای این وضعیت در سال ۱۳۳۵ ش. آشکار شد؛ زمانی که دولت هند ورود خرماهای ایران را محدود کرد. در گزارش علی‌اصغر حکمت سفیرکبیر ایران در هند به وزارت بازرگانی، عوامل اصلی این بحران شامل افزایش قاچاق خرما، ضعف در بسته‌بندی، افزایش عوارض گمرکی و ناتوانی در بازاریابی مناسب معرفی شده بود. در این گزارش تصریح شده است که مجموعه این عوامل، زمینه کاهش صادرات خرماهای ایران و در مقابل، افزایش سهم کشورهای رقیب را در بازار هند فراهم کرده است. همچنین تأکید شده بود که خرماهای ایران همچنان با شیوه‌های سنتی و مشابه دهه‌های گذشته حمل می‌شود و برای معرفی و تبلیغ آن در بازارهای خارجی نیز اقدام مؤثری صورت نگرفته است (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۳۷: ۲۹). افزون بر مسئله قاچاق، مشکلات حمل‌ونقل نیز از دیگر موانع توسعه روابط تجاری ایران و هند به شمار می‌رفت. بخشی مهم از مبادلات دو کشور همچنان از طریق کشتی‌های بادی و شناورهای تجاری سنتی انجام می‌شد که از نظر سرعت، ظرفیت و امنیت پاسخگوی نیازهای تجارت رو به گسترش نبود. از سوی دیگر، تأخیر مقامات هندی در صدور مجوز ورود کالاهای صادراتی ایران به‌ویژه برای محصولات فسادپذیر، موجب توقف محموله‌ها در بنادر و تحمیل خسارت به صادرکنندگان ایرانی می‌شد. این مشکلات هر چند در ظاهر جنبه‌ای اجرایی داشت، اما در عمل توان رقابتی کالاهای ایرانی را در بازار هند

کاهش می‌داد و فرصت را برای حضور رقبای منطقه‌ای فراهم می‌ساخت. بر همین اساس، مقامات و بازرگانان دو کشور در مذاکرات مشترک بر ضرورت رفع موانع حمل‌ونقل، تسریع در صدور مجوزهای تجاری، استانداردسازی بسته‌بندی و بهبود نظام بازاریابی تأکید می‌کردند. اگر چه این مسائل در نگاه نخست جزئی به نظر می‌رسید، اما در شرایط رقابت فشرده بازارهای بین‌المللی، نقشی تعیین‌کننده در حفظ جایگاه کالاهای ایرانی در بازار هند داشت و بی‌توجهی به آنها می‌توانست سهم ایران از این بازار را به سود رقبای منطقه‌ای کاهش دهد (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۴۲: ۱۸).

نتیجه‌گیری

بررسی روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم نشان داد که این روابط به تدریج از الگوی سنتی مبادله محصولات کشاورزی و کالاهای مصرفی به سوی تجارت کالاهای صنعتی، مواد اولیه، تجهیزات و همکاری‌های اقتصادی و فنی حرکت کرد. این تغییر صرفاً نتیجه افزایش حجم مبادلات نبود، بلکه با تحولات اقتصادی دو کشور، اجرای برنامه‌های توسعه و صنعتی‌شدن ایران و گسترش ظرفیت‌های تولیدی هند ارتباط داشت. در این میان، نفت همچنان جایگاه مهم در صادرات ایران به هند داشت، اما در کنار آن، صادرات محصولات کشاورزی و سنتی و سپس گسترش همکاری‌های صنعتی، دامنه روابط اقتصادی دو کشور را متنوع‌تر کرد.

بررسی روند تجارت همچنین نشان داد که توسعه روابط اقتصادی ایران و هند به ظرفیت‌های بازار محدود نبود و سیاست دولت‌ها، نهادهای تجاری و شرایط منطقه‌ای در شکل‌گیری آن نقش داشتند. اعزام هیئت‌های بازرگانی، مذاکرات مستقیم میان مقامات اقتصادی و بازرگانان، انعقاد توافقات تجاری و تلاش برای حل مشکلات مربوط به واردات و صادرات بیانگر آن بود که تجارت به یکی از زمینه‌های فعال روابط خارجی دو کشور تبدیل شده بود. از این منظر، روابط تجاری نه تنها پیامد روابط سیاسی، بلکه یکی از ابزارهای حفظ و گسترش ارتباطات دوجانبه نیز به‌شمار می‌رفت.

با وجود این، ظرفیت‌های اقتصادی موجود همواره به توسعه کامل تجارت منجر نشد. محدودیت‌های ارزی، مشکلات حمل‌ونقل، مقررات واردات، تأخیرهای اداری و دشواری‌های مربوط به اجرای توافقات تجاری، فعالیت بازرگانان و روند مبادلات را با محدودیت مواجه می‌کرد. همچنین تحولات سیاسی منطقه به‌ویژه شکل‌گیری پاکستان و نزدیکی ایران و

پاکستان در چارچوب ترتیبات امنیتی دوره جنگ سرد بر فضای سیاسی روابط ایران و هند اثر گذاشت. با این حال، منافع اقتصادی متقابل و نیاز دو کشور به حفظ بازارهای تجاری موجب شد که این اختلافات به قطع روابط اقتصادی منجر نشود.

از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، روابط ایران و هند در این دوره نمونه‌ای از پیوند متقابل سیاست و اقتصاد در روابط خارجی بود. دولت‌ها از طریق سیاست‌های تجاری، توافق‌های اقتصادی، هیئت‌های بازرگانی و نهادهای رسمی در جهت‌دهی به مبادلات و تأمین منافع اقتصادی خود نقش داشتند. در عین حال، نیازهای اقتصادی و منافع حاصل از تجارت نیز به استمرار روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور کمک می‌کرد. بنا بر این، تجارت ایران و هند را نمی‌توان صرفاً نتیجه عملکرد بازار دانست؛ بلکه این روابط در تعامل میان منافع اقتصادی، سیاست دولت‌ها و شرایط نظام بین‌الملل شکل گرفت.

فرجام سخن اینکه ویژگی اصلی روابط تجاری ایران و هند در دوره پهلوی دوم، هم‌زمانی گسترش و محدودیت بود. از یک سو، تجارت از مبادله سنتی کالا به سمت همکاری‌های صنعتی، فنی و اقتصادی سازمان‌یافته‌تر حرکت کرد و از سوی دیگر، موانع نهادی، اجرایی و سیاسی مانع از استفاده کامل از ظرفیت‌های موجود شد. بر این اساس، تحول روابط تجاری ایران و هند در این دوره را می‌توان بخشی از روند گسترده‌تر تغییر در سیاست خارجی اقتصادی ایران دانست؛ روندی که در آن تجارت، علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی به ابزاری برای گسترش مناسبات خارجی و پیگیری منافع متقابل دو کشور تبدیل شد.

فهرست منابع و مآخذ

اسناد:

سازمان اسناد ملی ایران، ش سند. ۲۴۰/۵۹۷۳۲.

کتاب‌ها و مقالات:

فارسی:

اداره کل گمرک (۱۳۲۴)، آمار بازرگانی ایران، تهران: چاپخانه فاروس.
اسپیر، پرسپول (۱۳۸۷)، تاریخ هند، جلد دوم، ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، قم: نشر ادیان.
بهرامی‌مقدم، سجاد و سید امیر نیاکوئی، «روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، فصلنامه روابط خارجی، بهار ۱۳۹۳، سال ششم، شماره اول، صص ۱۶۰-۱۲۳.

پیرزاد، علی اصغر، «گزارش آقای علی اصغر پیرزاد، رئیس هیأت بازرگانی اعزامی به هندوستان»، نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۳۸، شماره ۹۰، صص. ۱۷-۲۳.

تاورنیه، ژان باتیست [بی تا] *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: ابوتراب نوری، به تصحیح: حمید شیرانی، تهران: کتابخانه سنایی.

حکمت، علی اصغر (۱۳۳۷)، *سرزمین هند بررسی تاریخی، اجتماعی، سیاسی، ادبی هندوستان / از ادوار باستانی تا عصر حاضر*، تهران: دانشگاه تهران.

ریاض الاسلام (۱۳۷۳)، *تاریخ روابط ایران و هند (در دوره صفویه و افشاریه)*، ترجمه: محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران: امیرکبیر.

شیرپی، مریم و نوشین برآهویی، «بررسی اسنادی توسعه روابط تجاری ایران و هندوستان در عصر پهلوی دوم»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۳۰، صص. ۳۴۱-۳۲۱.

صدیقی، کوروش، «بررسی مشکلات خشکبار»، بورس، دوره اول، ۱۳۴۵ش، شماره ۳۷، صص ۵۳-۴۹.

عزتی، عزت‌الله و احمد کاویانی، «سیاست منطقه‌ای پاکستان در شبه‌قاره و تأثیر آنان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۳۸۷، سال نهم، شماره ۳۱ و ۳۲، صص. ۱۵۹-۱۸۵.

قائم‌مقامی، باقر، «تکنیک توسعه صادرات»، نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۴۳، شماره ۱۳۸، صص. ۴۱-۳۴.

گیلین، رابرت (۱۴۰۱)، *اقتصاد سیاسی جهانی*، ترجمه: مهدی میرمحمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۷۹)، *تاریخ سفارت حاجی خلیل خان و محمدنبی خان به هندوستان*، تهران: کویر.

مورارجی، دسائی، «توسعه همکاری ایران و هند»، بورس، دوره اول، بهمن ۱۳۴۷، شماره ۶۷، ص. ۵۴.

نارویی، هادی و علی صناعی، «اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی هند و تأثیر آن بر روابط اقتصادی ایران و هند»، مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، بهار و تابستان ۱۴۰۱، دوره ۱۴، شماره ۴۲، صص. ۳۸۸-۳۶۱.

نامه اتاق بازرگانی، «خرمای ایران؛ چگونه می‌تواند بازارهای جدید به‌دست آورد؟»، ۱۳۳۷، شماره ۷۴، صص. ۳۰-۲۵.

-----، «روابط اقتصادی ایران و هند»، ۱۳۳۸، شماره ۸۵، صص. ۳۱-۲۷.

-----، «قراردادهای بازرگانی جدید»، ۱۳۴۲، شماره‌های ۱۲۸ و ۱۲۹، صص. ۲۲-۱۷.

-----، «اخبار اقتصادی»، ۱۳۴۵، شماره ۱۵۲، صص. ۱۳۳-۱۲۷.

-----، «قراردادهای بازرگانی جدید»، ۱۳۴۲، شماره‌های ۱۲۸ و ۱۲۹، صص. ۲۲-۱۷.

-----، «اخبار اقتصادی»، ۱۳۴۵، شماره ۱۵۲، صص. ۱۳۳-۱۲۷.

نظیف‌کار، غزاله و حسین نوروزی (۱۳۸۲)، *برآورد استراتژیک پاکستان*. ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

وزارت امور خارجه، اداره نشر اسناد (۱۳۷۰). *اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول*. جلد چهارم. تهران: واحد نشر اسناد.

هند نوین، «روابط اقتصادی ایران و هند»، ۱۳۳۵، شماره ۲، شماره مسلسل ۲۰۹، چهارشنبه ۲۸ شهریور، صص. ۱-۱۲.
یکتایی، مجید (۱۳۵۳)، نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان، تهران: اقبال.

لاتین:

Ashwarya, Sujita (2017), *India-Iran Relations: Progress, Problems and Prospects*, New York: Routledge.

Marashi, Afshin. "Rich Fields in Persia: Parsi Capital and the Origins of Economic Development in Pahlavi Iran, 1925-1941." *Iranian Studies* 2023, 56: 61-83.

Karaka, Dosabhai Framji (1884), *History of the Parsis*, London: Macmillan and Co.

